

## تحول بی‌بهبان هوادار با مسعود

## شجاعی، نماد موج نوبی فوتبال ایران

آرمن ساروخانیان

روزنامه نگار

مسعود شجاعی را باید میهمان ناخوانده نیمکت‌های لیگ برتر نامید. در شروع فصل هنوز بحث ادامه حضورش در زمین مطرح بود، ولی بعد از شکست سنگین هفته سیزدهم هوادار مقابل سپاهان خبر رسید که شجاعی جانشین محمود فکری روی نیمکت این تیم می‌شود.

شجاعی به جز حضور کوتاهش به عنوان مربی بازیکن در تراکتور تجربه مربیگری نداشت و انتخابش یک ریسک بزرگ به نظر می‌رسید. او حتی به دلیل نداشتن مدرک A در شروع اجازه نشستن روی نیمکت را نداشت. با این حال نتایجش فراتر از انتظار بوده و در پنج بازی لیگ توانسته ۹ امتیاز بگیرد. هوادار در ۱۳ بازی قبلی با فکری ۱۰ امتیاز گرفته بود (میانگین ۰/۷۶ امتیاز)، ولی با شجاعی میانگین امتیاز ۱/۸ را ثبت کرده است.

هوادار که در زمان فکری یک تیم مدعی سقوط بود با شجاعی توانسته از جمع

پایین جدولی‌ها فاصله بگیرد و با ادامه این روند حتی می‌تواند به نیمه بالایی جدول هم برسد. در شروع فصل به نظر می‌رسید که مهره‌های هوادار توان رقابت برای ماندن در لیگ را ندارند، ولی شجاعی با همین بازیکنان تیمی ساخته که فوتبال ترس و تهاجمی بازی می‌کند.

هوادار در گام اول با شجاعی توانست در زمین نساجی، یکی از همسایگانیش در جدول به تساوی ۲-۲ برسد. آنها شروع فوق‌العاده‌ای داشتند و نیمه اول را با برتری دو بر صفر به رختکن رفتند، ولی

بازی با فشار میزبان در نیمه دوم سرانجام مساوی شد.

هوادار در دومین بازی استقلال خوزستان را با دو گل شکست داد. تیم شجاعی بعد از تساوی بدون گل در زمین مس رفسنجان موفق شد شمس‌آذر را دو بر یک ببرد. آنها پنجشنبه این هفته هم در حالی که مقابل ذوب‌آهن برتری نسبی داشتند به تساوی ۲-۲ رسیدند. هوادار در جام حذفی هم موفق شده استقلال خوزستان را یک بر صفر ببرد.

تک امتیاز بازی با ذوب‌آهن نتیجه کوچینگ

خوب شجاعی بود؛ چرا که تیمش تا دقیقه ۷۹ دو بر صفر از حریف عقب بود. داریوش شجاعیان دقایقی بعد از ورود به زمین گل اول هوادار را زد و ادامه فشار هوادار به یک پنالتی در دقیقه ۸۹ ختم شد که بابک مرادی تازه‌وارد آن را به گل تساوی تبدیل کرد.

هرچند ذوب‌آهن از دقیقه ۷۳ ده نفره شده بود، ولی هوادار پیش از اخراج کامیابی‌نیا هم حریفش را تحت فشار گذاشته بود. تیم شجاعی در نیمه اول موقعیت‌های بهتری داشت و تک گل حریف روی یک ضربه کرنر زده شد. گل دوم ذوب هم

مشکوک بود و به نظر می‌رسید که توپ به دست اسلامی، سازنده گل برخورد کرده است. مسعود شجاعی بابت اعتراض به همین صحنه اخراج شد، ولی هوادار انسجامش را از دست نداد تا همچنان بدون شکست بماند.

یکی از انتقادات به فوتبال ایران چرخه بسته مربیانی است که از این تیم به آن تیم می‌روند و فوتبالشان هم چنگی به دل نمی‌زند. مربیانی که فوتبال محتاطانه بازی می‌کنند، آمار «صفر-صفر»های لیگ را بالا می‌برند و همیشه بهانه‌ای برای توجیه ناکامی‌شان

دارند. نیمکت‌ها در قرق این مربیان است و فوتبال ملال‌آورشان تماشاگران را از رفتن به ورزشگاه بیزار می‌کند.

شجاعی نقطه مقابل این مربیان است. او در زمانی کوتاه فوتبال هوادار را متحول کرده و به تیمش روحیه برتری جویی داده، طوری که علیرضا حقیقی در آخرین ثانیه‌های بازی با ذوب‌آهن به کنار زمین می‌رود و اوت دستی می‌اندازد تا تیمش برای زدن گل سوم برود. انتظار می‌رود که شجاعی با این روند به سرعت پیشرفت کند و به لطف سابقه طولانی بازی در اروپا و تجربه بالای بین‌المللی روی نیمکت‌های مهم‌تری بنشیند.

افزافه شدن مربیانی مثل شجاعی و نویدکیا می‌تواند تصویر متفاوتی برای فوتبال ایران بسازد؛ لیگی که بیشتر از صحنه‌های جذاب به جنجال‌ها و حاشیه‌هایش شهرت پیدا کرده و بخشی از طرفداران از آن دلزده شده‌اند. اگر فوتبال روال طبیعی‌اش را طی کند این مربیان با ایده‌های جدیدشان در درازمدت می‌توانند جای مربیان ناکام و کم‌بازده را بگیرند.

## پایان دوران تردید در «هوادار»

## شجاعی و جامه‌ای برای درازمدت

وصال روحانی

روزنامه نگار

مسعود شجاعی در عصری تازه از سرمربیگری خود تیم نه چندان پرهوادار «هوادار» را در پنج بازی متوالی‌اش در لیگ برتر فوتبال کشور بدون شکست نگه داشته و امیدهای آن را برای بقا در این لیگ حفظ کرده است. تساوی پنجشنبه شب «هوادار» با ذوب‌آهن چون در دیداری خانگی حاصل آمد، شاید نتیجه ایده‌آلی تلقی نشود اما هوادار هنوز از پیکان، استقلال خوزستان، صنعت نفت و نساجی که در جدول رده‌بندی زیر دستش ایستاده‌اند، آنقدر فاصله دارد که بتواند روی آن حساب کند و فعلاً از جانب آنها احساس خطر نکند.

## از تراکتور تا نساجی

اولین تجربه سرمربیگری شجاعی چهار سال و اندی پیش در تراکتور شکل گرفت و چون سپرده شدن عنان رهبری تیم به دست وی به طور اضطراری صورت گرفت و او در آن زمان بازیکن این تیم تیریزی بود، به بازیگری‌اش نیز ادامه داد و هم در زمین جولان می‌داد و هم حین بازی تصمیم‌های فنی لازم را اتخاذ و با انتقال آن به شاگردانش زمینه اجرای آن را جور می‌کرد. با این حال و با وجود کسب چند نتیجه خوب شجاعی بیش از ۴ ماه در سمت بازیکن-مربی تراکتور دوام نیاورد زیرا محمدرضا زوزی مالک بیش از حد تنوع طلب تراکتور طبق معمول دست به تغییری جدید در کادر فنی تیمش زد و سرمربی تازه‌ای را استخدام کرد. به این ترتیب مسعودخان جامه مربیگری را که هنوز بر تن وی به درستی ننشسته بود، از تن خارج کرد و در سه سال بعدی صرفاً بازیکن شد و سر از تیم‌هایی مثل نساجی و البته هوادار آورد.

## ثمرات یک آشنایی

منتها تجربه قبلی شجاعی در حرفه مربیگری یک بار دیگر و این مرتبه در تیم هوادار تکرار شد و سران این باشگاه بسیار کم سابقه تهرانی از وی خواستند جای محمود فکری را بگیرد که نتوانسته بود نتایج خوبی را با این تیم کسب کند و در قیاس با رضا عنایتی و ساکت الهامی، سرمربیان قبلی این تیم تزلزل‌های بیشتری را در کارش آشکار ساخته بود. شجاعی چون در این تیم به عنوان بازیکن هم مورد استفاده قرار گرفته بود، می‌دانست که چه باید بکند و با فضای موجود و بازیکنان هوادار و نقاط مثبت و منفی کارشان آشنایی لازم را داشت. همین مسأله و کار کردن روی روح و روان بازیکنان و ارتقای آنها در سلسله مراتب ذهنی و فکری سبب شد هوادار از گردنه‌های اخیر لیگ به سلامت عبور کند و با کسب ۱۱ امتیاز از حداکثر ۱۵ پوئن ممکن، تیمی را به مسیرهای خوش و ایمن برگرداند که در دوره فکری نه ثبات روحی داشت و نه طرح‌های تاکتیکی مؤثری

## تیم شجاعی؛ فوتبال زیبا و نتیجه عالی

## هوادار هوادار هستیم

امیر اسدی

روزنامه نگار

اگر از مربیگری چند هفته‌ای در تراکتور فاکتور بگیریم، مسعود شجاعی را می‌توان جدیدترین سرمربی لیگ برتر و حتی جوان‌ترین آنها معرفی کنیم. کاپیتان سابق تیم ملی که بعد از خداحافظی بی‌سرصدا با فوتبال، مدتی را مشغول تجربه‌اندوزی در مربیگری بود، چند هفته است که هدایت هوادار را برعهده گرفته و جانشین محمود فکری شده. فکری از ۱۳ بازی ۸ امتیاز کسب کرده و تیمش شرایطی بحرانی را سپری می‌کرد اما از وقتی شجاعی روی نیمکت هوادار نشست، نتایج از این رو به آن رو شده و تیم کم‌طرفدار تهرانی سر و شکل خوبی در جدول رده‌بندی پیدا کرده. هوادار تیمی بی‌هوادار در تهران است که پیش از حضور شجاعی تبدیل به حیاط خلوت بازیکنان مشهور اما تقریباً تمام شده فوتبال ایران بود. فکری نتوانست از توانایی چنین بازیکنانی به درستی استفاده کند اما شجاعی چند تغییر را در دستور کار قرار داده و البته بهترین بهره ممکن را از بازیکنان باتجربه تیمش برده. به عنوان نمونه داریوش شجاعیان توانسته همان بازیکن تکنیکی و گل‌ساز سابق شود و امین قاسمی‌نژاد هم به یک ستاره بدل شده؛ همان ستاره‌ای که تیم‌های مطرح لیگ برتری برای خرید او رقابتی ویژه را انجام دادند.

شجاعی و هوادار حالا ۱۹ امتیاز هستند و یکی دو نتیجه خوب دیگر نیاز دارند تا بقای خود را قطعی کنند. آن وقت مسعود می‌تواند هم به بازیکنان جوانی که در تیمش دارد بیشتر بها بدهد و هم باتجربه‌ها را برای فصل جدید آماده کند. هوادار شجاعی را باید فصل بعد دید. تیمی با یک مربی جوان و کارزماتیک که حرف‌های بسیاری برای گفتن خواهد داشت. شجاعی هم می‌تواند چالش اصلی خود را از فصل بعد آغاز کند، هر چند که او در هفته‌های اخیر هم نشان داده توانایی خروج از بحران و ساخت تیمی خوش‌نفس و ارائه فوتبالی زیبا را داراست؛ درست مثل دوران فوتبالش که زیبا بازی می‌کرد و تماشاگر پسند.

و اگر هم پل‌های فکری کارآمد بوده باشد، فقدان یک ارتباط کامل عملی بین مربی و شاگردانش اجرای آن را توسط بازیکنان نزدیک به غیرممکن می‌کرد.

## مسئله به تجربیات ممتد اروپایی

شجاعی باتجربه‌تر از آن است که در میدان‌هایی از آن دست که پیش روی او است، از هر جهت کم بیاورد. سال‌ها بازی در اروپا که شاید یکی از نقاط اوجش در اوساسونای اسپانیا بوده باشد، از وی لژیونری ساخت که لاقال در دوران زمامداری طولانی کارلوس کی‌روش همیشه یکی از انتخاب‌های نخست در فهرست بازیکنان تیم ملی بود و کمتر مسابقه‌ای از این تیم می‌دیدیم که وی در آن غایب باشد و او حتی تا درجه بستن بازوبند کاپیتانی یوزها هم ارتقا یافت. شجاعی با چنان پیشینه‌ای و به عنوان هافبک تهاجمی آزادی که حق سرک کشیدن به هر نقطه‌ای در زمین را داشت، در جام‌های جهانی ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ و جام ملت‌های آسیای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ حضور یافت و اگرچه فراز و فرودهایی داشت و پس از یک آسیب‌دیدگی شدید و مرمز در سال ۲۰۱۶ هرگز به سطوح کاری خود در قبل از آن مصدومیت نرسید اما اینک در ۳۸ سالگی در قالب سرمربی هوادار در لب خط کاملاً بر خودش مسلط است و آرامش خود را از دست نمی‌دهد و تیمش را به سوی کسب نتایج مورد نظر رهنمون می‌کند. این چنین است که نگاه هوادار به ۱۰-۱۱ هفته پایانی لیگ بیست و سوم بیشتر از سر امیدواری است تا از سر پشیمانی و ترس و تردید و شجاعی برخلاف دفعه قبلی جامه مربیگری را برای درازمدت و به واقع همیشه بر تن کرده است و فقط به کوتاه مدت فکر نمی‌کند.